

# زمان زرتشت - ۳ -

## بقلم آقای پور داود

گئورگیوس Georgios که نیز خبرش مستند بمندرجات آلکساندر پولی هیستور میباشد مینویسد: مؤسس این خاندان ماد که بابل دست یافته در آنجا پادشاهی کردند زردشت بوده است ۱ مقصود ازد کرابن خلاصه همان اسم زرتشت است که بنا بخرمذکور سرسلسله پادهاشان ماد بوده در بابل. این خبر مطابق وقایع تاریخی است بایمعنی که در حدود دو هزار و سیصد سال (۲۳۰۰) سال پیش از مسیح عیلامها از کوههای ماد و عیلام یا شوش و خوزستان حالیه گذشته مملکت بابل را در تصرف خویش درآوردند و مدتها در آن سر زمین فرمانفرما بودند ۲ نقوش و خطوطی که از آشور بانیپال Asurbanipal (۶۱۸ - ۶۲۶ پیش از مسیح) پادشاه آشور مانده ابداً شکی نمیگذارد که خبر بروسوس بیان واقعه تاریخی است اراینکه پادشاه عیلامی (خوزستانی) کودورناخوندی Kudur-Nakhundi (با کودورناخوندی) در حدود دو هزار و سیصد (۲۳۰۰) سال پیش از مسیح بابل را فتح کرده و در جز و غنائم مجسمه الهه نانا Nana را از شهر معروف اور و Uruk که امروزه خرابه اش ور که Varka نامیده میشود از معبد الهه E-ana بر گرفته بشوش برده است ۳ آشور-بانیپال در کنیه خود گوید مجسمه نانا را که در هزار و ششصد سی و پنج (۱۶۳۵) سال پیش از این بغارت رفته بود من از شوش بر گردانیده به اورک آوردم.

چنانکه در تاریخ پیداست آشور بانیپال در سال ششصد و چهل و پنج (۶۴۵) پیش از مسیح بطرف شوش لشکر کشید و پادشاه شوش ته اومان Te-umman را شکست داده کشت و سراسر مملکت را غارت و ویران کرد و سلطنت دیرین آن سرزمین قدیم انجام گرفت. سال هزار و ششصد و سی و پنج (۱۶۳۵) پیش از شکست یافتن مملکت شوش بدست پادشاه آشور مطابق میافتد بسال دو هزار و دو بیست و هشتاد (۲۲۸۰)

۱ - Georgios Synkellos, Chronikon ed. Dindorf I. 447f.

۲ - از برای مطابق نمودن مندرجات بروسوس Berosos با ادوار تاریخی

بابل رجوع شود به Chronologische Untersuchungen von Marquart in philologus Supplement VII (1899) S. 637-720.

۳ - نانا Nana الهه توالد و تناسل را دوره زندگی و مرگ میبود مانند طبیعت گاهی بهار پراز جان و زندگی داشت و گاهی چون زمستان بامرگ و نیستی هم آغوش بود آموز پروردگار بهار یار و یاشوهرش دانسته شده همان است که در جز و ماههای سریانی می شماریم: عمر برف است و آفتاب تموز اندکی مانده خواجه غره هنوز. رجوع شود به Geschichte der Religion im Altertum; von Tiele, Deutsche Ausgabe von Gehrich; Gotha 1896 S. 459 und 470 474; Geschichte des Alten Orient von E. G. Klaber in der Welt Geschichte, hg. von Hartmann B. I. Gotha 1919 S. 43

پیش از مسیح بنا بر این زرتشت که نقل از بروسوس مؤسس سلطنت خاندان ماد (عیلام) بوده در بابل بیست و سه قرن پیش از مسیح میزیسته است اسامی پنج تن از این خاندان که بگفته بروسوس مجموعاً هشت پادشاه بوده اند بتوسط خطوط میخی و توراته بمارسیده است. ۱. از اینکه بروسوس یا ناقلین روایات او که زرتشت را پادشاهی دانسته، مؤسس خاندان عیلام در بابل چنانکه کتر یاس Ktesias او را پادشاه باخ دانسته نباید مایه تعجب ماشود زیرا در سرچنین واقعه‌هایی یعنی فتح بابل بدست عیلامیها یا بقیدۀ خود بروسوس مادها بنام مورتین مرد مملکت ماد که زرتشت باشد متوجه شده اند لابد جز از زرتشت در چنین عهد کهن مردی مشهورتر د: ماد سراغ نداشته اند. از اینکه بروسوس تا چنین بابل را از ماد دانسته نه از عیلام برای این است که پس از شکست شوش بدست آشوربانیپال و از دست رفتن استقلال دیرین آن سرزمین و بلافاصله باسم انشان Ansan در تصرف اجداد کوروش هخامنشی در آمدن و در جزو ممالک قلمرو پادشاهان ماد بشمار رفتن آن خاک امتیاز از میان رفته بوده و سراسر ایران زمین قسیم ماد نامیده میشده است چنانکه پس از سپری شدن سلطنت ماد و سرکار آمدن هخامنشیان از فارس سراسر کشور ایران زمین بدون امتیاز پارس خوانده میشده است اسمی که هنوز در السنة اروپائی با ایران داده میشود.

چنانکه ملاحظه میشود در خبری که از مأخذ بروسوس Borsus میباشد زرتشت پادشاه ماد دانسته شده همانطوری که کتر یاس او را پادشاه باخ خوانده است، بی شک در هر دو خبر همان زرتشت بینمیر ایران مقصود است که بواسطه قدمت زمان در هر همدی نزد نویسندگان بشکلی جلوه کرده است. گذشته از اینکه خبر مذکور ما را بزمانی قدیمتر از زمان سنتی پیغمبر منتقل میسازد نیز به ماد بودن پیغمبر دلالت میکند. درست مشهور هم که متکی بدلائل تاریخی و لغوی نیز میباشد زرتشت از ماد یعنی از مغرب ایران بوده و بخصوصه آذربایجان وطن اصلی وی دانسته شده ولی دینش در مشرق ایران زمین بخصوصه از باخ و روبال یافته بنقاط دیگر رسید.

در میان نویسندگان قدیم برخی زرتشت را معاصر فیثاغورس دانسته اند و باین ترتیب زمان پیغمبر بسیار متأخر تر از عهد هائی است که نویسندگان پیش از مسیح از برای پیغمبر قائل شده اند. در زمان تولد و وفات فیثاغورس اختلاف کرده اند ظاهراً تولد او در سال ۵۸۳ پیش از مسیح در جزیره ساموس Samos بوده است و در پایان همین قرن در گذشته است.

### فیثاغورس

Pythagoras

Geschichte der Orientalische Völker Im Altertum von Justi ; ۱  
Berlin S. 327 - 328

Geschichte Irans im Grundriss der Iranischen Philologie B. II S. 402. و باز همین مؤلف

Die Sprache der Kossäer von Friedrich Delitzsch; Leipzig و به  
1884 S. 5 und 68

Aufsätze zur Persischen Geschichte von Nöldeke; Leipzig و به  
1887 S. 1

دورهٔ فعالیت او بعهد کورش سر سلسلهٔ هخامنشیان (۵۵۹ - ۵۳۰ پیش از مسیح) و پسر و جانشین وی کمبوجیا (۵۲۹ - ۵۲۲) میافتد. درقرون بعد اعجاز و کراماتی از برای این فیلسوف و ریاضی دان که از بزرگان دانایان یونان است درست کرده اند. سیرت و زندگانی وی آمیخته بیک مشت داستانهاست در خصوص او چنانکه از برای بسیاری از مردان بزرگ عهد کهن حکایات و روایات شگفت آمیز در دست است عموماً نوشته اند که او در میان مغان تعلیم یافته است. برخی نوشته اند که او در هنگام لشکر کشی کمبوجیا بمصر در بهار ۵۲۵ سال پیش از مسیح در مصر بوده و در آنجا اسیر شده با سپاهیان ایران بیابل آمد و مدت دوازده سال در میان کلدانیان و مغها بسر برده و وقتی که به ساموس Samos برگشت پنجاه و شش ساله بوده است. ۱. سفر مصر فیثاغورس یقینی است و از خبر هرودت و ایسکراتس Isokrates (۳۳۸ پیش از مسیح) نیز ثبوت ییوسته است. سفر ایران او تحقیقاً معلوم نیست اما چندان هم دور نمیاید که فیثاغورس کسی که بخصوصه تشنهٔ علم و معرفت بوده و در مسائل دینی بسیار کنجکاو و بیابل مرکز علوم شرقی آن عهد رفته باشد و با مغان آشنا گشته بدستگیری آنان از آئین ایران آگاه شده باشد. نظر باینکه تعلیمات فلسفی فیثاغورس در بسیاری از موارد مطابق تعلیمات دین زرتشتی است میتوان گفت که این فیلسوف خواه بواسطه کتب، خواه بواسطه مغان بآئین ایران آشنا بوده است. گذشته از فیثاغورس بسا حکماء دیگر یونان نیز بشنا گردی مغان منسوب شده اند. پلینیوس - Plinius بزرگ دانشمند رومی قرن اول میلادی که ذکرش گذشت مینویسد: فیثاغورس و دمکریتوس Demokritus و امید کلس Empedocles و افلاطون از برای آموختن آئین مغس سفر دور کردند. ۲. دمکریتوس فیلسوف معروف یونانی است که در میان سنوات ۴۶۰ - ۴۷۰ پیش از مسیح تولد یافت. همچنین امید کلس فیلسوف و طبیب یونانی است که تولدش در آغاز قرن پنجم پیش از میلاد است. چنانکه ملاحظه میشود دین زرتشتی بواسطهٔ شهرتی که در قدیم داشته و بواسطهٔ رواج داشتن این فاسفه در میان حکماء یونان گروهی از دانایان آن مملکت بدانستن تعلیمات مزدیسنی مفتخر شده اند. سیسرو Cicero خطیب معروف رومی که در ۳ ژانویه ۱۰۶ تولد یافت و در ۷ دسامبر ۴۳ پیش از میلاد درگذشت بمسافرت مصر فیثاغورس و از آشنائی وی با مغان ایران ذکر کرده است. ۳. والرئوس ما کسیموس Valerius Maximus

Theologoumena Arithmetika, p. 40 ed. Ast; Jamblichus, - 1  
Vita Pythagorae 49.

زامبلیخوس فیلسوف، شاگرد پرفیریوس Porphyrius که ذکرش بیاید  
بود، در سال ۳۳۳ میلادی درگذشت. کتابی داشته مشتمل برده جزو پنج جزو از آن  
باقی مانده است جزو اول در شرح زندگانی فیثاغورس میباشد.

و رجوع شود به Zoroastrische Studien von Windischmann,  
herausgegeben von Spiegel, Berlin 1863, S. 260.

Plinius, Naturalis Historia XXX, 12

- ۲

Cicero (Marcus Tullius), De finibus bonorum et malorum - ۳  
V. 29.

که در قرن اول میلادی میزیسته مینویسد: فیثاغورس بایران رفت و بتعلیمات مغان پرداخت. از آنان گردش اختران و سیر ستارگان و نیروی و خصایص طبیعی آنها آموخت. نظر باینکه ارتباط فیثاغورس با مغان از قدیم شهرتی داشته نویسندگان بعد از برای مزید افتخارات او بهتر دانسته اند که او را مستقیماً شاگرد خود زرتشت که مؤسس آئین مغان است بدانند باین ملاحظه نزد گروهای زرتشت استاد فیثاغورس دانسته شده است از آنجمله پلوتارخس Plutarchos (۴۶ - ۱۲۵ میلادی) ۲ و ایولیوس Apuleius (در ۱۲۵ میلادی تولد یافته) ۳ و کامنس الکساندرینوس Clemens Alexandrinus (در میان سنوات ۲۱۱ - ۲۱۸ میلادی درگذشت) ۴ و هیپولیتوس Hippolytos (اسقف رومی در قرن سوم میلادی) ۵ و پرفیریوس Porphyrrios (در میان سنوات ۲۳۳ - ۳۰۴ میلادی میزیسته) ۶ و کیریالوس Kyrillos (در حدود ۳۷۶ - ۴۴۴ میلادی میزیسته) ۷ و در توضیح و حاشیه که به «ریوبلیک» کتاب افلاطون نوشته شده است ۸ و سوتیداس Suidas (در نیمه دوم قرن دهم میلادی بسر میبرده) ۹ در میان این نویسندگان ایولیوس Apuleius با تردید نوشته: «هستند کسانی که میگویند فیثاغورس از مغان و بخصوصه از خود زرتشت تعلیم یافت» پرفیریوس Porphyrrios فیلسوف قرن سوم میلادی که درسوریه تولد یافته و در روم درگذشت در کتابش «تاریخ فلسفه» در شرح زندگانی فیثاغورس مینویسد: «فیثاغورس پیش از همه چیز برآست بودن توصیه نمود از اینکه فقط آدمی بواسطه راستی ممکن است مانند خداوند گردد زیرا چنانکه او از مغان آموخته، خداوند را که آنان هر مزد (Gromazes) مینامند بیکری است بسان فروغ و روانی است چون راستی» باز پرفیریوس مینویسد: «فیثاغورس با کلدانیان در آمیزش

- ۱ - مورخ رومی والریوس ما کسیموس معاصر قیصر تیبریوس Tiberius  
 Valerius Maximus, Exem. Memor. VII, 6, 2 (۱۴-۳۷ میلادی) بوده  
 رجوع شود به Franklin's article in the Dastur Hoshang Memorial  
 Volume, Bombay 1918 p. 524.  
 ۲ - Plutarches, De Anima Procreat in Timaeo 41. 2  
 ۳ - Apuleius, Floride II. 15  
 ۴ - Clemens Alexandrinus, Stromata I, 15, 69. 6 f  
 ۵ - Hippelytos, Refut. I, 2. VI, 23  
 ۶ - Porphyrrios, Vita Pythagorae 12.  
 ۷ - Kyrillos Alexandrinus, Contra Julian III, 87. IV, 133.  
 ۸ - Scholiast zu Platons Republik 600 B.  
 ۹ - Suidas. S. V. Pythagoras.  
 Die Griechischen und Lateinischen Nachrichten  
 über die persischen Religion von Carl Gromen; Giessen  
 1920 S. 20 21.

بود هم‌چنان او نزد زرتشت رفت از پرتو او از گناهان زندگی بیش خویش پاک گشت و از او پیام‌وخت که چگونه باید پیروان خود را بی آلابش نگاهدارند و نیز تعالیم راجع بطبیعت و مسبب ازلی موجودات را او از آنجا شنید « ۱ در میان این نویسندگان گفتیم که هیپولیتوس Hippolytos نیز زرتشت را استاد فیثاغورس دانسته است. این اسقف رومی میگوید که مأخذ دیودوروس Diodorus از شهر ارتریا Eretria<sup>۲</sup> و اریستکسنوس Aristoxenus میباشند. باین خبر نمیتوان اعتماد نمود زیرا اریستکسنوس که در حدود سال ۳۱۸ پیش از میلاد میزیسته شاگرد ارسطاطالیس بوده است. در خبر راجع بزمان زرتشت از مأخذ افلاطون و شاگردان وی و در جزو آنان ارسطاطالیس گفتیم که آنان زمان زردشت را شش هزار سال پیش از وفات افلاطون نوشته اند بنابراین بسیار غریب بنظر میرسد که اریستکسنوس شاگرد ارسطاطالیس زرتشت را معاصر فیثاغورس نوشته باشد. احتمال دارد که او نظر شباهتی که میان آئین زردشتی و فلسفه فیثاغورس موجود است گفته باشد که فیثاغورس از آئین مع اطلاع داشته و باین وسیله یک ارتباط معنوی میان آنان قائل شده باشد نه یک آشنائی شخصی و دیگر اینکه معلوم نیست هیپولیتوس خبرش را مستقیم از اریستکسنوس گرفته یا از دیودوروس نقل کرده است ۳ .

از مجموع اخباری که راجع بفیثاغورس ذکر شده و او را شاگرد زرتشت دانسته اند بخوبی پیداست که خواسته‌اند باین وسیله بشوئات این فیلسوف بیفزایند. در انجام یادآور میشویم: بدون اینکه این نویسندگان نظری بزمان زرتشت داشته باشند در معاصر دانستن او را با فیثاغورس فیلسوف قرن ششم پیش از مسیح بههدی که در سنت از برای پیغمبر ایران قائل شده اند نزدیک گردیده اند. در میان نویسندگان قدیم مندرجات مورخ رومی ولی اصولاً یونانی امیانوس راجع بزمان زردشت قابل توجه است .

**امیانوس**  
**مارسلینوس**  
Ammianus  
Marcellinus

این نویسنده که در سال ۳۳۰ میلادی تولد یافت و در سال ۳۹۰ نیز در حیات بوده در هنگام لشکر کشی قیصر زولیان Zolian در سال ۳۶۳ میلادی بضد شاپور دوم جزو سپاهیان روم بوده است خود وقایع آن جنگ را که بشکست روم انجام گرفت و قیصر

Porphyrus, Vita Pythagorae 14; 15. - ۱  
در اینجا یادآور میشویم دستوری که بر فیریوس راجع بآئین مغ یا مزدیسنی از فیثاغورس نقل میکند درست مطابق تعالیم دین زرتشتی است سراسر اوستا و همه کتب پهلوی بر است از فضایل راستی. نویسندگان قدیم یونان نیز مکرراً استگویی ایرانیان را ستوده اند. رجوع شود بخرم شاه تألیف نگارنده ص ۶۱-۷۳ راجع ببیکر و روان اهورا مزدا بقرات ۸۰-۷۱ فرور دین بشت ملاحظه شود.

۲ - دیودوروس Diodorus از شهر Eretria مثل دیودوروس سیکولوس Siculus معاصر قیصر روم Augustus<sup>۱</sup> که در ۶۳ پیش از مسیح تولد یافت و در سال ۱۴ میلادی درگذشت بوده.

۳- رجوع شود به Griechi. u. Lateini. Nachrichten über die Persisch-Religion von Clemen S. 20-21

زولیان در بیست و ششم (۲۶) ژوئیه سال مذکور از يك تیر کارساز از پای در افتاده جان سپرد بچشم خوددیده است. کتاب او در تاریخ روم که از وقایع سال نود و شش (۹۶) میلادی شروع شده و در ذکر وقایع سال سیصد و هفتاد و هشت (۳۷۸) انجام یافته ضمناً یکی از اسناد معتبر تاریخ ماست در عهد ساسانیان. از این کتاب که مشتمل بر سی و يك جزو بوده سیزده جزو اولی از دست رفته مابقی موجود است.

امیانوس در کتاب مذکور در جزو بیست و سوم در باب ششم مفصلاً از منهای ایران سخن، رانده آنان را از خاندان مخصوصی دانسته که از پشت به پشت از زمان خود زرتشت مؤسس دین بخدمت پیشوایی گماشته هستند. نخست جمعیت آنان کم بوده بتدریج زیاد شدند از حیث آداب و رسوم از طبقات دیگر مردم امتیاز دارند و بخصوصاً محترم و بزرگ شمرده میشوند در آغاز این مبحث امیانوس مینویسد: افلاطون گفته که این آئین مغ دارای افکار بلندی و بی آرایش ترین طرز ستایش پروردگار است. پس از آن امیانوس خود گوید آئین مغ دانشی است که زرتشت بلخی در زهان کهن از روی تعلیمات سری کلدانیان بسط و توسعه داد، چنانکه برویه او پادشاه دانا گشتاسب پدر داریوش بعقیده امیانوس پیغمبر ایران نیز در سرزمین نامعلومی از ممالک هند درآمد. در آنجا در جنگل ساکت و آرامی که خرد برهن حکمفرما بود از جنبش زمین و گردش ستارگان تعلیم یافت. ۱۰۰۰ از این خبر پیداست که امیانوس شنیده بوده که زردشت در عهد پادشاه بلخ گشتاسب میزیسته ولی چون در تاریخ ایران جز از پدر داریوش بزرگ هخامنشی گشتاسب دیگری نمیشناخته ناگزیر در خبر خود مبهم مانده پدر داریوش را بزرتشت مربوط نموده او را مروج آئین مغ خوانده است.

هرچند تاریخی که بعدها در سنت از برای پیغمبر قائل شده اند تقریباً بهمان عهد گشتاسب پدر داریوش بزرگ میافتد اما کی گشتاسب دوست و حامی زرتشت که از پادشاهان کیانی است در سنت با داریوش هخامنشی مربوط نیست. امیانوس در خبر خود این گشتاسب را پادشاه خوانده در صورتی که گشتاسب پدر داریوش پادشاه نبوده، بلکه از طرف خود شهربان یا مرزبان ۲ ایالات پارت و و گرگان بوده و از او مکرراً در کتیبه های پادشاهان هخامنشی اسم برده شده است. از آنجمله داریوش از پدرش گشتاسب در کتیبه بهستان (بیستون) چنین یاد کرده است: «، داریوش پادشاه گوید پارتو (Partava - خراسان امروزی) و ورکان (Varkana - گرگان) از من سرکشیده به فرورتنی پیوسته پدرم گشتاسب در مملکت پارت بود مردم از او سرپیچیدند آنگاه گشتاسب با لشکری که در فرمانش مانده بود بیرون رفته در يك شهر پارت نامزد به ویسپ هوزانی ۳ بجنگ

۱ - Ammianus Marcellinus XXIII, 6, 32 - 34.

۲ - شهربان که در عهد ساسانیان مرزبان گفته شده یعنی حاکم است از کلمه

فرس خشتریون Xsatriapavan که یونانها ساتراپ گفتند

۳ - ویسپ هوزانی Vispa huzati لفظاً یعنی همه نیک زادگان

یارت‌ها در آمد. اهورا مزدا مرا یاری کرد گشتاسب آن لشکر سرکش را یکسره در همشکست، در ماه و یخن Viyaxna بود (مطابق ۵ فوریه ۵۲۱ پیش از مسیح) که این جنگ روی داد آنگاه من از ری (رگا Raga) لشکریان یارس را بسوی گشتاسب فرستادم چون لشکر بگشتاسب رسید آنرا بزرگرفته بجنگ شتافت در يك شهر یارت نامزد به پتیگربن Patigrahana بییکار سرکشان در آمد آن سپاه سرکش را یکسره در هم شکست این در اول ما، گرم پدا Garmapada (مطابق ۳ آوریل ۵۲۰ پیش از مسیح) بود که این جنگ شد، چنانکه ملاحظه میشود در این کتیبه‌داریوش پدرش عنوان پادشاهی نداده از او مانند شهر بانهای دیگر خود اسم برده است. اردشیر سوم (۳۵۹ - ۳۳۸ پیش از مسیح) در کتیبه تخت جمشید يك يك اجداد خود را با عنوان پادشاه اسم میبرد ولی از گشتاسب در جزو اجداد خود بدون چنین عنوانی نام میبرد. از این قرار: «میگوید اردشیر، پادشاه بزرگ، پادشاه پادشاهان (شاهنشاه) پادشاه لشورها، پادشاه این زمین: من پسر پادشاه اردشیر (دوم)، اردشیر پسر پادشاه داریوش (دوم)، داریوش پسر پادشاه اردشیر (اول)، اردشیر پسر پادشاه خشایارشا، خشایارشا پسر پادشاه داریوش (اول)، داریوش پسر گشتاسب نامی، گشتاسب پسر ارشام نامی هخامنشی» در اینجا یاد آور میشویم که پدر گشتاسب ارشام نام داشته اما پدر کی گشتاسب معاصر پیغمبر لهراسب بوده که در اوستا اوروت اسپ Aurvāt-aspa نامید شده است. شکی نیست که گشتاسب پدر داریوش بهیچ وجه مربوط بگشتاسب معاصر زرتشت نیست. نظر باینکه کی گشتاسب از یاران بزرگ دین زردشتی و از مقدسین بشمار است در تمام ادوار اشخاصی چنین نامزد شده اند و هنوز هم مانند یارینه این اسم از اسامی معمولی اشخاص است. خبر امیانوس بدون اینکه ما را بتاریخ واقعی زرتشت رهنمون باشد یاد آور باخ میباشد سرزمینی که در آنجا دین زرتشت رواج گرفت.

شاعر و مورخ یونانی که در حدود سال ۵۳۶ - ۵۸۲ میلادی میزیسته مانند امیانوس زرتشت را معاصر گشتاسب دانسته ولی نمیداند این گشتاسب کدام است. بعقیده این نویسنده: «ایرانیان در قدیم با یونانیان هم‌امیش بوده مانند آنان زئوس Zeus و کرنس Kronos و پروردگاران دیگر یونان را میپرستیدند ولی با سامی دیگر ... ایرانیان امروزی یکسره رسوم پیشین خود را فرو گذار هستند و آنها را تغییر دادند پیرو آئین عجیبی که زرتشت پسر هزد (Oromasdes - اهورا مزدا) آورد میباشند. این زرواستر (Zoroaster) که در دس Zarades هم نامیده میشود بطور یقین نمیتوان گفت که در چه زمان میزیسته و کی آئین خود آورد ایرانیان امروزی قنط میگویند که او در عهد گشتاسب پسر میبرده است. ولی در این بسیار تردید است و این تردید را نمیتوان مرتفع ساخته دانست که این گشتاسب همان پدر داریوش است یا يك گشتاسب دیگر در هر زمانی که او زیسته باشد بهر حال پیغمبر آنان و آورنده آئین مغ است» ۱.

در انجام اخبار نویسندگان قدیم راجع بزمان زرتشت مندرجات سوتیداس Suidas در این موضوع قابل ذکر است.

سوئیداس Suidas نحوی و لغوی یونانی در سال ۹۷۰ میلادی بسمیرده است فرهنگی از او مانده که اسامی بسیاری از اشخاص نامدار قدیم در آن ضبط شده است هرچند این کتاب از اشتباهات فراوان عاری نیست و نویسنده آن قوه تحقیق و انتقاد نداشته است اما یک رشته از مندرجات نویسندگان قدیم در این کتاب محفوظ مانده و از این جهت مفید است. سوئیداس آنچه در کتب قدماء خواننده بدون تشخیص و امتیاز در فرهنگ خود نقل کرده است راجع بموضوع ما در این فرهنگ اخبار برخی از نویسندگان قدیم بدون امتیاز از همدیگر مندرج است در تحت کلمه فیثاغورس این فیلسوف یونانی را شاگرد زرتشت (Zéretos) دانسته شده و در تحت کلمه زرتشت دو زرتشت قائل شده یکی دانای پارس و ماد که در پنج هزار (۵۰۰۰) سال پیش از جنگ ترویا Troia میزیسته، دومی اختر شناسی بوده است در عهد نینوس ۱ چنانکه ملاحظه میشود مندرجات سوئیداس همان است که در طی اخبار نویسندگان متقدم راجع بزمان زرتشت ذکر شده است.

فهرست برخی از کتب دانشمندان که اخبارات مورخین قدیم یونان و روم در آنها جمع شده است :

Brisson, Barnabé: De regio Persarum principatu libri tres. ; Paris, 1590.

Hyde, Thomas: Historia religionis Veterum Persarum eorumque Magerum ; Oxford 1700.

Kleuker, J. F.: Anhang zum Zend-Avesta II, Band, 3ter Theil, Riga; 1783.

Windischmann : Zoroastrische Studien herausgegeben von Spiegel; Berlin 1863, S. 260-313.

Darab Dastur P. Sanjana: Zarathushtra in the ترجمه انگلیسی آن  
Gathas ; Leipzig 1897, 65-141.

Rapp, Adolf: Die Religion und Sitte der Perser and übrigen Iranier nach der Griechischen und römischen Quellen, in der Zeitschrift der deutschen morgenländische Gesellschaft 1865, S. 1 ff. 1366, 49 ff.

Cama, Kharshedji R.: Religion and Customs of ترجمه انگلیسی آن  
the Persians; Bombay 1876-1879.

Tiele: Geschichte der Religion im Altertum, Deutsche Ausgabe von Gehrich II B; Gatha 1903, S. 361 f.

Eränische Alterthumskunde von Spiegel, 1 B; Leipzig 1871, S. 669-683.

Zoroaster, The Prophet of Ancient Iran, by W. Jackson; New-York 1901.

در صفحات ۲۳۱-۲۷۳ همین کتاب متن کلیه مورخین یونان و روم راجع بزرتشت ضبط است .



The Journal of the K. R. Cama Oriental Institute : ترجمه این اخبار:  
No. 14 Bombay 1929.

Celemen, Carl : Die Griechischen und Latenischen Nachrichten  
über die Persische Religion ; Giessen 1920.

در سنت زردشتیان زمان پیغمبر ایران در سنوات ۶۶۰-۵۸۳ پیش از  
مسیح دانسته شده است. این سنت در کتب پهلوی مانند تفاوت ازهمدیگر  
م محفوظ مانده است در اردا ویرافنامه در آغاز فصل اول مندرج است:

تاریخ سنتی  
زمان زرتشت

« زرتشت یاک دینی که از اهورا مزدا پذیرفت در جهان روا کرد و تا پایان سیصد  
سال بهمان یاکمی بماند و مردم بیگمان بودند . در انجام اهریمن کجستک (ملعون)  
نایاک از برای اینکه مردم را بیگمان اندازد ، اسکندر گجستک رومی را که در مصر بسر  
میبرد بر آن داشت که با ستیزه نران و نبرد و ویرانی بایران شهرتازد ، او شهر یار ایران  
بکشت و پایتخت ویران کرد ».

زاد سیرم دستور سیر گمان در حدود سال ۲۵۰ یزد کردی مطابق ۲۶۸  
هجری در زرتشت نامه خود در فصل ۲۳ فقره ۱۲ از ظهور دین تا آسب یافتن  
آن و بر باد رفتن پادشاهی ایران سیصد سال فاصله قرار داده است. شکی نیست که  
مقصود زاد سیوم از منقرض شدن سلطنت ایران همان استیلای اسکندر مقدونی است  
اسکندر در سال ۳۳۱ با ایران هجوم آورد و هاریوش سوم آخرین پادشاه هخامنشی  
در ماه زوئیه یا اوت ۳۳۰ پیش از مسیح کشته شد .

از مندرجات بندهش در فصل ۳۴ در فقرات ۷ - ۸ راجع به مدت سلطنت  
پادشاهان کیانی تا مرگ اسکندر ( در سال ۳۲۳ ) بر میآید که از ظهور زرتشت  
تا مرگ اسکندر ۲۷۲ سال فاصله باشد بنا بر این زرتشت در سال ۵۹۵ پیش از  
مسیح مبعوث گردید . بگفته بندهش اسکندر چهارده سال پادشاهی کرد در صورتی  
که ظهور زرتشت را تا آغاز پادشاهی اسکندر بحساب آوریم میان این دو واقعه  
فقط ۲۵۲ سال فاصله میباشد اما بحساب بندهش ۲۵۸ سال فاصله است. در کتب  
مورخین ایرانی و عرب نیز مقارن همین اوقات زمان زرتشت دانسته شده است از  
آنجمه مسعودی که در حدود سال ۳۴۵ هجری در گذشت در مروج الذهب مینویسد :  
بزعم مجوسان از زمان زرادشت ابن اسبیمان ، پیغمبرشان ، تا اسکندر دوست و  
پنجاه و هشت سال میباشد ۲ در جای دیگر ۲۸۰ سال نوشته است باز همین مؤلف  
در کتاب دیگرش ، کتاب التنبیه و الاشراف مینویسد : زرادشت پسر بورشسف در

۱ - از اینکه اسکندر در مصر جای داده شده برای اینست که اسکندر از مصر  
و سوره در سال ۳۳۱ با شور تاخته بشکر ایران هجوم آورد رجوع شود به Aufsätze zur  
Persischen Meschichte von Nöldeke ; Leipzig 1887 S. 88.

۲- رجوع شود بمروج الذهب متن و ترجمه باهتمام Barier de Neynard

جلد IV ص ۱۰۷ و بمروج الذهب طبع مصر ۱۳۴۶ هجری جزء الاول ص ۱۷۶

ابستا کتابی که باو الهام شده خیر داده که پس از سیصد ( ۳۰۰ ) سال بمملکت ایران آشوب بزرگی روی خواهد داد ، بدون اینکه دین آن منهدم شود اما در انجام سال هزارم مملکت و دین هر دو ویران شوند بنابراین میان زرتشت و اسکندر سیصد ( ۳۰۰ ) سال فاصله است. زیرا که زرتشت در زمان کی‌بشتاسب پسر کی‌لهراسب ظهور نمود ۱ ابو ریحان بیرونی که در ۳ ذیحجه ۳۶۲ در خوارزم تولد یافت و در ۲ رجب ۴۴۰ دزغنه وفات یافت مینوسد بزعم مجوسان ظهور زرادشت، پیغمبرشان، تا اول تاریخ اسکندر دوست و پنجاه و هشت ( ۲۵۸ ) سال است ۲

غالباً در سنت زرتشتیان از زمان رسالت زرتشت تا استیلای اسکندر سیصد سال قرار داده شده است چنانکه در رساله عامای اسلام ۳ و دو منظومه‌ای موسوم بقصه سلطان محمود غزنوی که انوشیروان پسر مرزبان کرمانی در سال ۱۶۲۰ سرانیده است ۴ در سنت زرتشت ماضی کی‌گشتاسب پسر کی‌لهراسب بوده که در مشرق ایران زمین در باخ سلطنت داشت پیغمبر ایران چهار بار در گانها ۵ درسود های مقدس خود از این شهر یار که دوست و حامی دین وی بوده نام میبرد ۵ بطوری که ابداً شکی نمیماند که دو عهد زرتشت ایرانیان در ایران زمین شرقی سلطنت داشتند بنا بسنت که در کتب یه‌اوی و کتب مورخین ایرانی و عرب محفوظ مانده سال سی ام پادشاهی کی‌گشتاسب بود که زرتشت دین خود بدو نمود برخی از مستشرقین می‌خواهند که این کی‌گشتاسب را پدردار بوش بزرگ هخامنشی که ذکرش در جزو اخبار امیانوس Ammianus گذشت یکی بدانند ۶ تقریباً در هزار و چهار صد سال پیش از این آکلیسیاس Agathias که ذکرش گذشت تردید داشته از اینکه این گشتاسب همان پدردار بوش است یا گشتاسب دیگر. امروزه شکی در این نداریم که زمان این دو گشتاسب چندین سال از همدیگر فاصله داشته است چنانکه دیدیم معانی ایران آیین زرتشت بوده پیش از عهد داربوش بزرگ پسر گشتاسب وجود داشته اند و دیگر اینکه چگونه ممکن است فیلسوف های یونانی قرن چهارم پیش از میلاد مانند ارسطو طالیس Aristoteles وادکسوس Eudoxus وهرمدروس Hermodorus زمان زردشت را شش هزار سال پیش از مرگ افلاطون یا پنج هزار سال پیش از جنگ ترویا Teroia بنویسند در صورتی که میان آنان و گشتاسب پدردار بوش بزرگ ( ۵۲۱-۴۸۵

- ۱- کتاب التنبیه والاشراف چاپ De Goeje لیدن ۱۸۹۴ ص ۹۰
- ۲- رجوع شود به آثار الباقیه ص ۱۴
- ۳- علمای اسلام چاپ Mohl ص ۶ رجوع شود به خرده اوستا ص ۹-۹۵
- ۴- رجوع شود به Notice de Littérature Parsie par Frédéric Rosenbergh St. Pétersbourg 1909 p. 29.
- ۵- رجوع شود بگانه: یسنا ۲۸ قطعه ۷ و یسنا ۴۶ قطعه ۱۴ و یسنا ۵۱ قطعه ۱۶ و یسنا ۵۳ قطعه ۲ بجلد دوم یشتها ص ۲۶۹ نیز ملاحظه شود.
- ۶- رجوع شود بجلد دوم یشتها ص ۲۱۳ و ۲۱۴

پیش از مسیح) اندکی بیش از يك قرن فاصله است ۱ هرودت که در عهد اردشیر اول (۴۶۵ - ۴۲۴ پیش از مسیح) در ایران سفر کرده از زرتشت بهیچوجه اسم نبرده در صورتی که از پادشاهان سلسلهٔ هخامنشی تا بعهد خود مفصلاً صحبت میدارد اگر ظهور زرتشت در عهد داریوش یا پدرش گشتاسب بوده قهراً در مندرجات هرودت لافل اشاره از این واقعه میشده است. این سکوت را نیز منقياً میتوان دلیل دانست که در عهد هرودت دین زرتشت آئین کهن ایران بوده و در حدود نیم قرن پیش از او بوجود نیامده بوده است. در میان دانشمندان و مستشرقین معروف از آنجمله جکسن Jackson ۲ و وست West ۳ که طرفدار تاریخ سنی هستند ارتباطی میان کی شتاسب یا شاه باخ و گشتاسب پدرداریوش بزرگ هخامنشی قائل نشده اند. بزعم بیشتر دانشمندان موثق امروزه دین ایران بیش از سلطنت ماد که در مغرب ایران در حدود سال هفتصد و سیزده (۷۱۳) پیش از میلاد تشکیل یافته بوجود آمده است ۴. تاریخ سنتی بکلی بی اعتبار و برخلاف اسناد لغوی و تاریخی است چون در موارد دیگر مکرراً از این مسئله بحث شده در اینجا فقط یادآور میشویم که زبان گاتها سرودهای مقدس پیغمبر ایران زرتشت قدیم تر از قرن هفتم پیش از مسیح است و در خطوط میخی که از پادشاه آشور سارگون Sargon از قرن هشتم پیش از مسیح مانده و اسامی چند تن از سران قبایل ایرانی که با وی در زد و خورد بوده اند در آنها یاد گردیده دلیل زرتشتی بودن آنان است در میان اخبار مورخین قدیم یونان و روم خیر خسانتوس Xantus راجع زرتشت قابل اعتماد است و میتوان ظهور پیغمبر ایران را در حدود هزار و هشتاد (۱۰۸۰) سال پیش از مسیح دانست.

### پورداود

- ۱- رجوع شود به - Der Ursprung der Magier und die Zarathau-strische Religion von Messina S. 64-66.
- ۲- On the date of Zoroaster, by William Jackson Journal of American Oriental Society, Vol. XVII, 1896, 1- 22; Zoroaster, Prophet of Ancient Iran, New York 1901.
- ۳- Sacred Books of the East vol. XLVII, Introduction.
- ۴- رجوع شود بجاد دوم یشتها ص ۲۸۲-۲۸۴.

### کار برای زندگیت

اگر انسان تمام حواس و قوای خود را منحصرأ بکار متوجه سازد دیگر نمیتواند از تفریح لذت ببرد و هنگامیکه آسایش لزوم قطعی پیدا کند زندگانی ناگوار میشود، چه بگانه دلبستگی شخص که کار او بوده است از وی سلب گردیده است - منظور از زندگانی آموختن علم یا کار کردن نیست بلکه منظور از علم و کار زندگانی است.

هربرت اسپنسر